



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

ویژه نامه وظایف مردم در شرایط فتنه



الْبِسْلَاءُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ





مقام معظم رهبری:

حضور عظیم و خروشان مردمی در ۹ دی ۸۸، تجلی بارزی از هویت و ماهیت انقلاب یعنی روح دیانت حاکم بر دلهای مردم بود.

وظایف مردم در شرایط فتنه از دیدگاه مقام معظم رهبری

حماسه نهم دی ماه، نقطه افتخار ملت ایران در به اثبات رساندن بصیرت، تعهد، آگاهی و انسجام مردمی است که در راستای تحقق آرمان های ارزشمند امام و شهید، همواره در صحنه حضور داشته اند. یوم الله ۹ دی خط بطلانی بر بافته های ذهنی و برنامه ریزی شده استکبار جهانی، صهیونیسم بین الملل و عوامل سرخورده و فریب خورده داخلی بود که حفظ و زنده نگه داشتن آن با هدف تداوم روحیه انقلابی و فتنه ستیزی، وظیفه ی دینی و انقلابی همگان است. حوادثی که این چند روز در کشور اتفاق افتاد نشان داد که دنیای استکبار و ضد انقلاب از حماسه ۹ دی آن عبرت بایسته را در این ماجرا نگرفته و همواره به دنبال فتنه های جدید است. در ذیل وظایف مردم در شرایط فتنه از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) را از پیش رو می گذرانیم:

*شناخت دوست و دشمن و مخلوط نکردن آنها با هم

«من توصیه ام به همه ی ملت ایران این است: امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبادا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبادا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه ی جناح هاست. نظام اسلامی با اخلاالگران در امنیت مردم طبعاً برخورد می کند. این، وظیفه ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمی دهند که کسانی دستخوش فریب و توطئه ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد.» (۱)

-وظایف تصریحی:

- ۱- شناخت دوست و دشمن.
- ۲- دوست را با دشمن اشتباه نگرفتن.
- ۳- دوست و دشمن را مخلوط نکردن.
- ۴- رفتاری که با دشمن باید داشت نباید با دوست انجام داد.

-وظایف استنباطی:

- ۱- بر خورد با اخلاالگران در امنیت عمومی وظیفه ی نظام است نه مردم.
- ۲- مردم در فتنه ها بیشتر شناخت اخلاالگران و اطلاع به مسوولین نظام را به عهده دارند.
- ۳- اشتباه در تشخیص دوست و دشمن و رفتار نادرست با دوست زمینه را برای اخلاالگران و دشمنان مناسب می کند.

*در اصول همدل باشیم و یکدیگر را تحمل کنیم

«این چیزهاست که بایستی ما بیدار باشیم، هشیار باشیم. ما مردم ایران هم همین جور. ما آنچه که می گوئیم، برای دیگران نیست؛ در درجه ی اول برای خودمان است. خود ما هم باید وحدت را حفظ بکنیم. ببینید همین آیاتی که الان خواندند: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»-برادر شدید با هم- و «كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا»؛ اسلام شما

۲- به کسی نباید بیهوده تهمت زد.

۳- بایستی با انصاف عمل کرد و با انصاف حرف زد.

۴- نباید بی انصافی و بی عدالتی کرد حتی نسبت به دشمن.

۵- همه در زیر پرچم نظام و جمهوری اسلامی جمع شوید.

-وظایف استنباطی:

- ۱- اختلافات و تشدید اختلافها در اثر بی انصافی و بی عدالتی و تهمت زدن بوجود می آید.
- ۲- انصاف، عدالت و پرهیز از تهمت زدن، نقشه بعضی ها و دشمنی در ایجاد اختلاف و تشدید آن را خنثی می کند.

*پایبندی به اصول

«اصولی وجود دارد، به آن اصول همه پایبندی خودشان را اعلام بکنند. در کنار هم باشند، اختلاف سلیقه هم باشد. چه اشکال دارد؟ همیشه اختلاف سلیقه بوده. در دورانهای مختلف هر جایی که این اختلاف سلیقه ها و اختلاف برداشتها با هوای نفس انسان مخلوط شد، کار خراب می شود. هوای نفس را باید خیلی ملاحظه کرد. به خودمان در فریب خوردن از هوای نفس سوء ظن داشته باشیم. نگاه کنیم ببینیم کجا نفس است و هوای نفسانی ماست؛ کجا نه.» (۵)

-وظایف تصریحی:

- ۱- پایبندی به اصول و تحمل اختلاف سلیقه ها.
- ۲- سوء ظن به هوای نفس خود و فریب نخوردن از آن.
- ۳- نباید اختلاف سلیقه ها با هوای نفس مخلوط شود.

-وظایف استنباطی:

- ۱- هوای نفس است که اختلاف سلیقه ها و برداشتها را تبدیل به اختلاف در اصول می کند. باید از آن پرهیز کرد.
- ۲- دشمن تلاش می کند تا اختلافات در برداشتها را به اختلاف در اصول تبدیل کند. باید مراقب آن بود.

*در بهترین شرایط هم، دشمن در کمین است

«تجربه هائی هم این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسوولان ما بود من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه مان جدی بگیریم؛ هم مسوولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند. و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیه ی امیرمومنان (سلام الله علیه) است که فرمود: «وَ مِنْ نَامِ لَمْ يَنْمِ عَنْهُ». در عرصه ی زندگی سیاسی دچار خواب آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد. این تحلیل نیست که ما می گوئیم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی، سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه های زیادی به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می آمد، یک جشن بزرگ ملی به حساب می آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما همه ی ما، همه ی آحاد مردم تجربه ی هشدار دهنده ای باشد. اگر ما در صحنه ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

ما از اول انقلاب در هیچ انتخاباتی حضور چهل میلیونی، هشتاد و پنج در صدی، نداشتیم. در این انتخابات، اولین بار چنین فرصت بزرگی پیش آمد؛ اما در همین فرصت بزرگ، در همین شادی بزرگ، دست هائی به کار افتادند برای اینکه ضربه ای به ملت ایران بزنند. باید بیدار بود. این بیداری فقط در زبان نیست؛ آحاد ملت، گرایش های مختلف سیاسی، دلبستانان به کشور، دلبستانان به نظام اسلامی، همه، همه، بایستی به معنای واقعی کلمه بیدار باشند؛ فریب نخورند.» (۶)

-وظایف تصریحی:

- ۱- توجه به این نکته که همیشه حتی در بهترین شرایط امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و ایران اسلامی هست.
- ۲- در عرصه ی زندگی سیاسی دچار آلودگی نشدن.
- ۳- به همدیگر بدبین نبودن و به چشم دشمن به یکدیگر نگاه نکردن.
- ۴- بصیرت داشتن.
- ۵- اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد.
- ۶- بیدار بودن به معنای واقعی کلمه و فریب دشمن را نخوردن.

را از آتش تفرقه نجات داد. فراموش کردید؟ هی این به آن ایراد بگیرد، آن به این ایراد بگیرد؛ فروع را اصل بکنیم، اصول را فراموش کنیم، هی اختلاف بین ما بیفتد.

اینکه قرآن می گوید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا». یعنی همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید، خوب، این «همه» در سطح واحدی نیستند؛ بعضی ایمانشان قویتر است، بعضی ایمانشان ضعیفتر است، بعضی عملشان بهتر است، بعضی عملشان متوسط تر است؛ در عین حال خدای متعال به همه خطاب می کند. می گوید اعتصام به حبل الله را جمیعا بکنید، با هم بکنید. تو بگوئی من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم و دیگری نه؛ او دیگری باز بگوید من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم، این طرف رانه؛ اینکه نمی شود. همدیگر را تحمل کنید. اصولی هست، محور هائی هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم. ممکن است در صد تا از فروع، افراد با همدیگر اختلاف داشته باشند، باشد؛ این منافات ندارد با اجتماع، با جمیع شدن، مجتمع شدن؛ اینها باید ملاک باشد.» (۲)

-وظایف تصریحی:

- ۱- هوشیار و بیدار بودن.
- ۲- حفظ وحدت اصل است.
- ۳- پرهیز از ایراد گیری های نابجا.
- ۴- فروع را اصل نکردن.
- ۵- اصول را فراموش نکردن.
- ۶- اعتصام به حبل الله.
- ۷- همدیگر را تحمل کردن.
- ۸- همدلی بر اساس اصول.

-وظایف استنباطی:

- ۱- هر عملی که به وحدت عمومی لطمه وارد کند، نادرست و غلط است.
- ۲- هر عملی که ایجاد اختلاف کند، همسویی با دشمن و آب به آسیاب دشمن ریختن است.

*بی انصافی و بی عدالتی را کنار بگذارید، برادر و همکار باشید

«بعضی ها هی می خواهند اختلافها و شکافها را بیشتر کنند؛ نه، نباید اختلاف به وجود بیاید؛ همه با هم بردارند، همه با هم همکاری باید بکنند؛ همه باید برای ساختن کشور به یکدیگر کمک بکنند. به کسی نباید بیهوده تهمت زد؛ کسی را نباید به خاطر یک امر، از همه ی آن چیز هائی که صلاحیت محسوب می شود، انسان را او نفی بکنند. با انصاف باید بود؛ با انصاف باید عمل کرد؛ با انصاف باید حرف زد. خدای متعال در مورد دشمنان می گویند: «وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (۳) اگر با کسی دشمنید، این دشمنی موجب نشود که نسبت به او بی انصافی کنید، بی عدالتی کنید؛ حتی نسبت به دشمن؛ حالا آن که دشمن هم نیست، بی عدالتی ها را همه کنار بگذارند؛ بی انصافی ها را همه کنار بگذارند؛ همه در زیر پرچم نظام اسلامی و جمهوری اسلامی جمع بشود.» (۴)

-وظایف تصریحی:

- ۱- اختلافها و شکافها را نباید بیشتر کرد.

وظایف استنباطی :

۱- انتخابات دهم و حوادث پس از آن، تجربه بزرگی است که بایستی آن را جدی گرفت و مانع تکرار آن شد.
 ۲- هر وقت حضور ملت، افزایش چشمگیری پیدا می کند، دشمن در صدد تغییر آن و ضربه زدن بیشتر بر می آید.
 ۳- اختلافات زمینه را برای سوء استفاده دشمن و بسیج عوامل فرصت طلب، فراهم می نماید.

***مسئولین را موعظه، نصیحت و پیغام بدهید تا منحرف نشوند**

«نکته ی دیگری که فعالان سیاسی، مسوولان، صاحبان قدرت، صاحب مسئولیت های گوناگون و متفکرین بشدت بایستی مراقب آن باشند، مسئله ی انحراف و فساد پذیری شخصی است؛ همه مان باید مراقبت کنیم. انسان ها در معرض فسادند، در معرض انحرافند. گاهی لغزش های کوچک، انسان را به لغزش های بزرگ و بزرگتر و گاهی به پرتاب شدن در اعماق دره هائی منتهی می کند؛ خیلی باید مراقب بود. قرآن هشدار داده است. در موارد متعدد، در قرآن این هشدار وجود دارد. یک جا می فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاءُوا السُّوءَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ» (۷)؛ عاقبت بعضی از کارها این است که انسان به آن خانه ی بدترین می رسد که تکذیب آیات الهی است. یک جا می فرماید: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِی قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ» (۸)؛ خلف وعده ی با خدا کردند، این موجب شد نفاق در دل هایشان به وجود بیاید. یعنی انسان گناهی انجام می دهد، این گناه انسان را به وادی نفاق می کشاند؛ که نفاق، کفر باطنی است. همین جا در قرآن، کافرین و منافقین در کنار هم هستند. در یک آیه ی دیگر می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» (۹)؛ اینی که می بینید یک عده ای در مقابل دشمن منهزم می شوند، طاقت نمی آورند، نمی توانند ایستادگی کنند، به خاطر آن چیزی است که قبلا از اینها سر زده است؛ باطن خودشان را با گناه و با خطا خراب کرده اند. لغزش ها انسان را فاسد می کند. این فساد، به انحراف در عمل و گاهی به انحراف در عقیده منتهی می شود. این هم به مرور پیش می آید؛ دفعتا پیش نمی آید که ما فکر کنیم یک نفری شب مومن می خوابد، صبح منافق از خواب بیدار می شود؛ نه، به تدریج و ذره ذره پیش می آید. این، علاجش هم مراقبت از خود است. مراقبت از خود هم یعنی همین تقوا. بنابراین علاجش تقواست. مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند؛ زنها از شوهر هایشان، شوهر ها از زنهایشان، دوستان نزدیک از همدیگر؛ «و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ». از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار نشویم. مردم مسوولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیر خواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند. خطرات لغزش مسوولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است. انسان گاهی در بعضی از حرفها، در بعضی از اقدام ها و تحرکات، این را احساس می کند؛ نشانه های یک چنین انحرافی را انسان مشاهده می کند. به خدا باید پناه برد، از خدا باید کمک خواست. (۱۰)

وظایف تصریحی:

۱- تقوا و مراقبت از خود در برابر انحراف و فساد پذیری شخصی.
 ۲- مراقبت از همدیگر در برابر انحراف و فساد پذیری شخصی.
 ۳- موعظه و نصیحت مسوولان و خیر خواهی برای مسوولان.
 ۴- گوشزد کردن لغزش های مسوولان.
 ۵- به خدا پناه بردن و از خدا کمک گرفتن.
 ۶- از لغزش های کوچک و گناهان پرهیز کردن.

وظایف استنباطی :

۱- فساد و انحراف ذره ذره پیش می آید با مراقبت و تقوا بایستی از آن پیشگیری و جلوگیری کرد.
 ۲- انحراف در عمل، به انحراف در عقیده منتهی می گردد و لذا مراقبت بر عمل مانع انحراف در عقیده است.
 ۳- گناه انسان را به وادی نفاق می کشاند، لذا منافقین انسان های گناهکار و فاقد مراقبت و تقوا هستند. عدم مراقبت و تقوا، انسان به نفاق گرفتار می کند.

***سکوت کردن و حرف نزدن، کمک به فتنه است**

«این را هم عرض بکنیم؛ بعضی ها در فضای فتنه، این جمله ی «کن فی الفتنه کابن البون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می فهمند و خیال می کنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلا در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب». نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود. در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار

یاسر دائم-اثر صفین را نگاه کنید-مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه های مختلف؛ چون آنجا واقعا فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه ی عظیمی بود؛ یک عده ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشننگری بود؛ این طرف می رفت، آن طرف می رفت، برای گروه های مختلف سخنرانی می کرد-که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست- از آن طرف هم آن عده ای که «نفر من اصحاب عبدالله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت گفتند: «یا امیر المومنین-یعنی قبول هم داشتند که امیر المومنین است- انا قد شککنا فی هذا القتال»؛ ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضروی است که یحلب! همان ظهری است که یرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشننگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند» (۱۱)

وظایف تصریحی:

۱- آلت دست فتنه گران نشدن و مراقبت از این که به هیچوجه فتنه گر نتواند از ما استفاده کند.
 ۲- توجه به این نکته که گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است.
 ۳- روشننگری و بصیرت در شرایط فتنه وظیفه همگانی است.

وظایف استنباطی :

۱- آنهایی که سکوت می کنند یا کنار می گیرند فکر می کنند که به حدیث معروف عمل می کنند. فهم آنان از حدیث غلط است.
 ۲- در شرایط فتنه، آگاهان و نخبگان وظیفه بیشتری در روشننگری به عهده دارند.
 ۳- سکوت و کنار کشیدن در شرایط فتنه، کمک به فتنه گران در غبار آلودگی بیشتر جامعه است.

***به بصیرت اهمیت بدهید و آن را افزایش دهید**

ببینید برادران و خواهران عزیز! خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه می فرماید: ای پیغمبر! من با بصیرت حکم می کنم؛ «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی»؛ خود پیغمبر با بصیرت حرکت می کند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت. این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد مجموعه ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می کنند و قدم بر می دارند، همه ی تیغ های دشمن در مقابل آنها کند می شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می گذارد. شما در جبهه ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می کنید می بینید در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید، دشمن

بر شما مسلط می شود. این قطب نما همان بصیرت است. در زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی شود حرکت کرد. جوانها باید فکر کنند، بیاندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرت ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آنوقت شما می دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان بر می دارید. یک روز شما می خواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپایی هم می شود رفت و تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز می خواهید بروید قلعه ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را می خواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه می خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید» (۱۲)

وظایف تصریحی:

۱- توجه به معنای بصیرت که چه می خواهید و چه باید با خودتان داشته باشید. بصیرت قطب نماست.
 ۲- بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی تواند انسان را گمراه کند.
 ۳- توجه به این نکته که اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می گذارد.
 ۴- توجه به این نکته که در زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی شود حرکت کرد.
 ۵- ضرورت و لزوم داشتن.
 ۱/۵- بصیرت در هدف.
 ۲/۵- بصیرت در وسیله.
 ۳/۵- بصیرت در شناخت دشمن.
 ۴/۵- بصیرت در شناخت موانع راه.
 ۵/۵- بصیرت در شناخت راه های جلوگیری و برداشتن این موانع.
 ۶- روحانیون، دانشگاهی ها، متعهدان جامعه به بصیرت اهمیت بدهند.

۷- جوانان بصیرت خودشان را افزایش دهند.

وظایف استنباطی :

۱- باید در حوادث و اتفاقات اندیشید و فکر کرد تا از فریب خوردن در امان بود.
 ۲- اهل سواد و فرهنگ از حوزوی و دانشگاهی باید در افزایش بصیرت جوانان و جامعه، تلاش نمایند.

***نگذارید حق و باطل مشتبه شوند**

«من فقط یک جمله عرض بکنم؛ مخاطب من عموم مردمند، بخصوص جوانان؛ همه ی مردم کشورند، بخصوص این مناطق حساس. جوانان عزیز! هر چه می توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمومنین



مسئله برای آنها اهمیت دارد. این را توجه داشته باشیم؛ هر آنچه را که دشمن بر روی آن تکیه می کند و نقشه ی راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او می تواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه ی راهی را در اختیار بگذارد. همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار می دهند، ما باید توجه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم؛ حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی» (۱۵)

-وظایف تصریحی:

- ۱- ادامه وفاداری نسبت به نظام.
- ۲- بی توجهی به شایعه سازی ها، بدبینی ها و یاسی که دشمن می پراکند.
- ۳- تقویت ارتباط و اعتماد به مسوولین.
- ۴- بی اعتنایی به زمزمه های دشمن در دو توطئه اسلام منهای روحانیت و اسلام منهای سیاست.

-وظایف استنباطی:

- ۱- تجربه اندوزی و افزایش بصیرت از حوادث و فتنه سال ۸۸.
 - ۲- افزایش روز افزون معرفت و فهم دینی و آگاهی سیاسی برای خنثی کردن توطئه های پیچیده دشمنان.
 - ۳- تقویت روز افزون اعتماد و ارتباط خود با روحانیت.
 - ۴- جدی گرفتن وحدت ملی و همبستگی با سه قوه
- برای اینکه به نماز اول وقت مومنین ضربه ای نخورد، من به طور مختصر چند اصل را برای رفتار خودمان-با توجه به نقشه ی دشمن- مطرح می کنم.

یک مسئله، مسئله ی وحدت کلمه ی ملی است. مخاطب این، هم خواصند، هم عامه ی مردم. مسئله ی وحدت را باید جدی گرفت. من درباره ی وحدت کلمه ی مردم خیلی صحبت کردم، یک خصوصیات و شاخص هائی هم گفتم. صرف اینکه کسی بگوید ما طرفدار وحدتیم، کافی نیست؛ شاخص هائی دارد، علامت هائی دارد. مسئله ی دیگر، همبستگی روز افزون مردم و خواص با سه قوه است. همبستگی با قوای سه گانه ی کشور باید روز به روز بیشتر شود، باید کمک بشوند؛ بخصوص قوه ی مجریه که بارهای زیادی را بر دوش دارد. این شایعه درست کردن و زحمات را ندیده گرفتن، به هیچ وجه صلاح کار کشور و آینده ی کشور نیست. (۱۶)

-وظایف تصریحی:

- ۱- جدی گرفتن وحدت کلمه.
- ۲- همبستگی روز افزون با سه قوه.
- ۳- توجه به زحمات قوا بویژه قوه مجریه.

-وظایف استنباطی:

- ۱- توجه به شاخص ها و علائم وحدت کلمه واقعی و اینکه افراد و گروهها تا چه اندازه پایبند به آن باشند.
- ۲- نادیده انگاشتن زحمات قوا بویژه قوه مجریه و بی انصافی درباره ی اقدامات دولت، به نفع دشمنان است.

پی نوشت ها:

- ۱- سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸/۴/۱۵.
- ۲- دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۵/۳.
- ۳- سوره مائده، آیه ۸.
- ۴- همان.
- ۵- همان.
- ۶- مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲.
- ۷- سوره روم، آیه ۱۰.
- ۸- سوره توبه، آیه ۷۷.
- ۹- آیه ۱۵۵، سوره بقره.
- ۱۰- خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰.
- ۱۱- دیدار با اعضاء خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲.
- ۱۲- دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵.
- ۱۳- نهج البلاغه، خطبه ۵۰.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- اجتماع مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷.
- ۱۶- بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷.

هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند. در زمینه ی تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام هم کارهای زیادی می کنند؛ شایعه می سازند، برای اینکه مردم را از مسوولین کشور، از روسا قوا مأیوس کنند. تخم بدبینی می پراکنند. هر کار شایسته ی با ارزشی که در سطح کشور انجام بگیرد، این را در وسائل تبلیغات گوناگون مورد تردید قرار می دهند. اگر ضعف هائی هست، چند برابر می کنند و نقاط قوت را نشان نمی دهند، برای اینکه مردم را ناامید کنند، بخصوص نسل جوان را ناامید کنند. افق آینده را در مقابل نسل جوان و مردم تیره و تار نشان می دهند، برای اینکه مردم را از صحنه خارج کنند. لیکن نکته ی اساسی این است که دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام اسلامی در طول این سی و دو سال، همه ی تلاشی را که در این دو مورد انجام داده اند، سرمایه گذاری های خسارتباری بود است؛ نتیجه ای نگرفتند و شکست قطعی خوردند. آنها خیال می کردند می توانند مردم را از نظام اسلامی جدا کنند. روز به روز که گذشته است، می بینید مردم پای بندیشان به مسائل دینی و ارزشهای معنوی بیشتر شده است. کی در کشور ما این همه جوان در مراسم معنوی شرکت می کردند؛ در مراسم عبادی ماه رمضان، در روز عید فطر؛ این اجتماعات عظیم، این روشن بینی مردم در زمینه ی مسائل سیاسی سابقه نداشته است. بعد از اهانتی که در روز عاشورای سال ۸۸ به وسیله ی یک عده تحریک شده نسبت به امام حسین انجام گرفت، دو روز فاصله نشد که مردم در روز ۹ دی توی خیابانها آمدند و موضع صریح خودشان را علنی ابراز کردند. دستهای دشمن و تبلیغات دشمن نه فقط نتوانسته مردم را از احساسات دینی عقب بنشانند، بلکه روز به روز این احساسات تندتر و این معرفت عمق تر شده است.

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوق های رأی رفتند. در واقع یک رفرااندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آنرا از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه ی سال ۸۸ کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروب های سیاسی و اجتماعی ای که می تواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.

سال های گذشته در برخی مطبوعات کشور، بعضی افراد مدعی فهم و دانش، علیه دین، علیه میانی اسلامی افاداتی می نوشتند؛ اینها هم در مردم اثری نکرد. این را توجه داشته باشید؛ دشمنان دو نکته ی اساسی را در باب دین دارند دنبال می کنند؛ چون دیده اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیر گذار است؛ یکی مسئله ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده اند که روحانیت در جامعه ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زمزمه ها را می کردند. حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب، موقتا این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدائی دین از سیاست است. اینها از جمله چیزهائی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات، در نوشته جات، در وسائل اینترنتی ترویج می کنند.

در یک خطبه ای از جمله ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می شمارد: «انما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبتدع یخالف فیها کتاب الله». (۱۳) در همین خطبه، امیرالمومنین می فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولکن یوخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیميز جان». آن کسانی که مردم را می خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی آورند؛ باطل و حق را آمیخته می کنند، مزوج می کنند، آن وقت نتیجه این می شود که «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می شود. این است که بصیرت می شود اولین وظیفه ی ما، نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود». (۱۴)

-وظایف تصریحی:

- ۱- تلاش در جهت افزایش و عمق بخشیدن به بصیرت خود.
- ۲- تلاش در جهت کسب بصیرت در شناخت دشمن و تشخیص حق و باطل.
- ۳- نباید گذاشت حق و باطل مشتبه بشود.

-وظایف استنباطی:

- ۱- باید دشمن را در لباس دوست و باطل را در لباس حق شناخت.
- ۲- مهمترین راه نفوذ دشمن و بستر مورد استفاده او، عدم آگاهی و جهل نسب به دشمن و شیوه ها و ابزارهای دشمنی اوست.

***وفاداری، اعتماد، حضور و پشتیبانی مردم از مسوولین**

«مردمی بودن، یعنی این انقلاب از سوی مردم وفادارانه مورد حمایت قرار بگیرد؛ نظام اسلامی از سوی مردم مورد تأیید و حمایت و پشتیبانی کامل قرار بگیرد. این هم در طول این مدت تأمین بوده است. اگر حضور مردم نمی بود، اگر فاصله ی بین مردم و نظام ایجاد می شد، نظام نمی توانست در مقابل دشمنان مقاومتی بکند. این حضور مستحکم مردم است که پشتوانه ی ایستادگی مسوولان است. این دو تا نقطه ی اصلی است؛ دین و مردم. لذا دشمن هم همین ها را آماج حملات خود قرار داده است؛ دین را یک جور، وفاداری و اعتقاد مردم را یک جور. اینکه شما ملاحظه می کنید از سال های دهه ی ۶۰، از دوران حیات با برکت امام، چه دشمنان بیرونی و چه مزدوران یا نوکران بی مزد و منت آنها از داخل، مقدسات دینی را، حقایق دینی را، بینات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار دادند، این یک چیز تصادفی نبوده است؛ روی این تکیه داشته اند.

این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلم های ضد اسلام هالیوودی، تا کاریکاتورها، تا قرآن سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوشه و آن گوشه اتفاق افتاد، برای اینکه ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه ی بی بند و باری و اباحیگری، تا ترویج عرفانهای کاذب-جنس بدلی عرفان حقیقی- تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه ی کلیساهای خانگی؛ اینها کارهائی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش بینی دشمنان اسلام دارد انجام می گیرد؛



حرکت عظیم نهم دی ماه حجت را بر همه تمام کرد.
«مقام معظم رهبری»